

# دفاع خونین یا نهضت

حسین (علیه السلام)

کلمه نهضت و جنبش کلمه زنده و جاننداری است که افراد متحرك و بااراده از شنیدن آن لذت میبرند زیرا مفهوم و معنی این کلمه يك معنای حیات بخش و ارزنده است که حیات جهان طبیعت و اجتماع انسانی وابسته به آن است و گرمی بازار زندگی منوط به آن .

## جنبش طبیعت

فصل بهار میزند و جهان طبیعت با يك جنبش عمومی زندگی را از سر میگیرد و بزمستان خروشان و عصبانی خاتمه میدهد و حکومت دیکتاتوری و بی عاطفه سرما را سرنگون میسازد و در پرتو این جنبش صدها نوع از میوهها و گلها در دامن خود می پروراند و مواد حیاتی زندگان را فراهم میسازد (وتری الارض هامة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت وربت و اثبتت من کل زوج بهیج) می بینی که زمین مرده و افسرده است، آنگاه که آب بر آن فرو می فرستیم جنبش و نمو می کند و از هر قسم ( از ثمرات و میوهها و گل های) طرب انگیز میرویانند .

اگر جنبش طبیعت هر سال تجدید نمیشد حیات و زندگی جهان و جهانیان مفهوم و معنایی نداشت و اساساً کوره زمین يك موجود جامد و بی فروغی بود بنابراین فقط جنبش طبیعت است که این همه ثمرات و بسرکات را همراه می آورد و سر و صدای زندگی را براه میاندازد .

## جنبش اجتماع

جنبش اجتماع اقسام گوناگون دارد زیرا در اجتماع انسانی ممکن است جنبش علمی یا فکری یا اقتصادی یا ورزشی یا جنبش های دیگر بوجود آید، ولی جنبشی که از همه مهمتر است بلکه سایر جنبش ها را همراه می آورد جنبش فکری و عقیدتی است، اگر جنبش

فکری درست انجام شود و به هدف برسد میتواند تمام شئون حیاتی اجتماع را تغییر دهد و مملکت و ملت را در مسیر ترقی و تکامل قرار دهد.

جنبش حسین بن علی (ع) يك جنبش فکری و عقیدتی بود که روی يك اساس صحیح و پایک هدف روشن و معمولی شروع شد که در آن زمان و آن اوضاع و احوال و در آن شرایط جنبشی صحیح تر از آن و عمیق تر و مؤثر تر از آن میسر نبود.

### اولین تهاجم

هنوز از مرگ معاویه بن ابی سفیان چیزی نگذشته بود که برخلاف توسیة معاویه، امام حسین از طرف حکومت یزید مؤرد تهاجم واقع شد و قیام آن حضرت پس از این تهاجم پی ریزی گردید و بر نامه دفاعی امام حسین (ع) پس از این تعرض نابخردانه ترسیم گشت. فرماندار مدینه - ولید بن عتبۀ بن ابی سفیان - يك نامه رسمی از طرف یزید بن معاویه دریافت کرد که در آن نامه او را از مرگ معاویه آگاه کرده بود و مطابق نقل طبری يك پاره کاغذ بطور غیر رسمی (۱) بضمیمه آن نامه رسمی فرستاد و در آن نوشته بود که: «از حسین بن علی و عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر بدون هیچگونه رخصت و گذشت بیعت بگیر!»

این اولین تهاجمی است که از طرف دولت غیر قانونی یزید با امام حسین (ع) شده است در هیچ تاریخی دیده نشده است که حسین بن علی قبل از این جریان هیچگونه توطئه و تمهیدی بر ضد دولت بنی امیه کرده باشد، بلکه حکومت یزید که حقا حکومتی خام و بی تدبیر بود بدون هیچگونه دلیل و برهانی فقط باتکای قدرت خود، و شاید هم برای کمال احتیاط، اینطور بی احتیاطی کرد این حکم مستبدانه را برخلاف اصول عدالت و آزادی صادر نمود.

یزید از امام حسین خواسته است که تسلیم بلا شرط او باشد و یزید را بمنوان امیر المومنین و خلیفه پیغمبر (ص) که حاکم بر او و سایر مسلمین باشد بشناسد و حکومت او را که زیر برق سرنیزه و برق درهم و دینار به مردم تحمیل شده بود قانونی اعلام کند و صحت آنرا امضاء نماید.

تا سایر مسلمین هم از او پیروی کنند و هیچکس هوس مخالفت با یزید را در سر نپروراند عقیده امام حسین (ع) مانند بسیاری از شخصیتهای دیگر این بود که حکومت یزید غیر قانونی

۱- شاید دستور بیعت گرفتن را در نامه غیر رسمی نوشت که کاملا محرمانه باشد و جزء نامه های رسمی بدست سایر کارمندان دولتی نیفتد که مبادا دیگران مطلع شوند و به محکومیت یزید رأی بدهند، ولی تاریخ از ثبت حقایق پروا ندارد و گاه گاهی امور مخفی و محرمانه را هم آشکار میسازد!

و تصمیمی است و یزید که در رأس حکومت قرار دارد علاوه بر اینکه در سیاست کشور داری خام و بی تدبیر است جوانی خودسر و مغرور و میگسار و عیاش است، و بدون تردید اگر زمام مملکت در دست چنین فرد خام و ناپاکی باشد مملکت اسلامی بپرتگاه سقوط کشانده میشود، حق و عدالت فراموش میگردد، و عقیده و ایمان مردم سست میشود زیرا بحکم الناس علی دین ملوکهم - توده های مردم طبعاً از دستگاه حا که پیروی میکنند، درست است که امام حسین (ع) از نظر نیروی نظامی و مالی ظاهراً آنقدر قوی نیست که بجنبش ابتدائی برخیزد ولی از نظر ایمان و تقوی بقدری قوی است که نمیتواند برخلاف عقیده خود و برخلاف واقع دولت غیر قانونی یزید را قانونی اعلام کند و تسلیم بلا شرط وی گردد، زیرا امام حسین (ع) که بزرگ خاندان پیغمبر (ص) است و چشم مردم با او دوخته شده و در دل مردم جای دارد اگر برخلاف عقیده و ایمان خود خلافت یزید را امضاء کند افکار مردم را منحرف کرده و با انحرافات و مقدمات حکومت یزید موافقت ضمنی نموده و بسقوط مملکت و رواج فساد و تضعیف دین کمک کرده است آیا ممکن است کسیکه خود مظهر عدالت و تقوی است عدالت و تقوی را بگوید؟!

آیا ممکن است شخصیتی که خود در دامن دین و مذهب بزرگ شده و در بیت رسالت پرورش یافته است به ناپودی دین و مذهب کمک کند و بیت رسالت را لکه دار نماید؟!

### بیعت با یزید خیانت بمسلمین است

در نظر حسین بن علی بیعت با یزید و امضاء کردن خلافت غیر قانونی او خیانت بدین و مسلمین است.

از اینرو دین و ایمان و شرف خانوادگی او و مقام مخصوصی که در میان خانواده رسالت و سایر مسلمین دارد اجازه نمیدهد که تسلیم یزید شود بدین جهت مطابق آنچه که از کتاب محمد بن ابیطالب موسوی نقل کرده اند در مذاکرات خود با برادرش محمد بن حنفیه میفرماید:

یا اخی لو لم یکن فی الدنیا ملجأ و لا مأوی لما بایعت یزید بن معاویه: برادر اگر در دنیا هیچ پناهگاهی برای من نباشد با یزید بن معاویه بیعت نخواهم کرد، علاوه بر این امام حسین بحکومت یزید بن معاویه اطمینان نداشت که اگر بیعت کند دیگر برضد او توطئه نمیکند و نقشه قتل وی را نمیکشد؛ حکومت اموی که در زمان معاویه برخلاف مواد پیمان صلحی که با امام حسن منقذ کرده بودند شیعیان علی (ع) را اعدام کرد و دستور سپ و لعن امیر المؤمنین را صادر نمود و حسن بن علی را مسموم کرد چگونه ممکن است چنین حکومتی مورد اطمینان باشد.

در آنروز که معاویه مال اندیش و باتدبیر و مشاورین با تجربه ورزیده‌اش امثال عمرو بن العاص در رأس حکومت اموی بودند به پیمان خود وفادار نبودند آیا امروز که یزید بی تجربه و خام‌عامل بی تدبیرش امثال عبیدالله بن زیاد بر سر کارند به پیمان خود وفادار خواهند بود ؟

البته نه، بنا بر این حسین بن علی (ع) هیچگونه اطمینان و اعتمادی به حکومت موجود نداشت که حتی اگر بحکم اضطرار بیعت کند محفوظ بماند و دولت یزید متمرکز او نگردد، بلکه چنانچه از قرائن و احوال و اخلاقی یزید و اعمال او ظاهر میشود بر فرض که از راه ضرورت و ناچارگی بیعت میکرد باز هم نقشه قتل‌وی را میکشیدند و سر انجام مثل برادرش امام حسن (ع) او را شهید میکردند .

### نقشه دفاعی

در برابر این تهاجمی که برخلاف قانون بحسین بن علی (ع) از طرف حکومت غیر قانونی یزید وارد شد آن حضرت را از هر جهت تحت فشار قراردادند آنحضرت نقشه دفاعی خود را ترسیم کرد.

امام حسین (ع) میکوشد تا بتواند از خونریزی جلوگیری کند و نظم و آرامش اجتماع برهم نخورد از اینرو از همان اولین روز تهاجم تا آخرین مرحله مقاومت و مبارزه نقشه او فقط نقشه دفاعی بود و لذا هر گاه اصحابش پیشنهاد تیراندازی و شروع جنگ می نمودند موافقت نمی فرمود و می فرمود:

من بسا آنها جنگ ندارم و نمیخواهم شروع بخونریزی و جنگ نمایم ، و در این روش از سیاست برادرش امام حسن، پدرش علی و جدش پیغمبر علیه السلام و بعبارت بهتر از سیاست عمومی اسلام که همیشه طرفدار صلح بوده است پیروی مینمود (وان جهنحوا للسلام فاجنح لهما توکل علی الله) .  
 و اگر آنها بمسالمت و صلح مایل شدند توهم بجانبداری از صلح مایل شو و برخدا توکل نما ،

سیاست طرفداری از آرامش و مسالمت يك سیاست عاقلانه و مترقی است و از اینرو، ملل زنده دنیا میکوشند خود را همیشه طرفدار صلح جلوه دهند گرچه خود آتش افروز جنگ باشند!

### بسوی مکه

از وقتیکه فرماندار مدینه فرمان یزید را با امام حسین ابلاغ کرد تا وقتیکه آنحضرت تصمیم خود را گرفت شاید بیش از بیست و چهار ساعت نبود و شاید در عمر پنجاه و هفت ساله امام حسین (ع) کمتر روزی بتلخی و دشواری آنروز برای آن حضرت پیش آمده باشد زیرا

از طرفی ما مور فرمانداری در پی بسراغ او میآید که برود و در برابر اجتماع مردم با فرماندار که نماینده یزید بود بیعت کند از طرفی آینده خطرناک و تاریکی را برای خود و خاندان پیغمبر (ص) پیش بینی مینماید، و از همه مهمتر نگران آینده مسلمانان و مقدسات اسلام است که باز چه مرد هوسبازی مانند یزید شده است.

باهمه ناراحتی فکری و وضع خفقان آوری که بر زن و فرزند خاندان پیغمبر (ص) حسرتی شده بود و امام حسین (ع) را سخت نگران و ناراحت کرده بود تصمیم نهائی خود را گرفت؛ تصمیم گرفت برای جلوگیری از هر گونه پیش آمد سوئی و برای حفظ اجتماع و صیانت خون مردم از وطن خود صرف نظر کند و برای مدت نامعلومی بشهر مقدس مکه که اسلام آنرا «حرم امن» قرار داده است پناه ببرد.

از اینرو با اینکه خیلی سخت و دشوار بود اکثریت قریب باتفاق خاندان پیغمبر را آماده حرکت کرد و آن کاروان سنگین را شبانه دور از نظر فرماندار مدینه و مأمورین او بسوی مکه حرکت داد و تقریباً پس از پنج روز در مکه فرود آمد.

### چهار ماه در مکه

بدیهی است شخصیت بزرگ امام حسین (ع) جلب توجه مردم را میکند و موضوع حرکت او از مدینه و توقفش در مکه سایر اخبار روز را تحت الشعاع قرار می دهد و خانه امام در مدینه اقامتش در مکه خانه امید مردم و محل آمد و رفت توده های ملت است. ناگفته پیداست که تمام اوضاع و احوال امام و ملاقاتها و تماسهایی که با اشخاص مختلف حاصل میکند از نظر کار آگاههای دولتی پوشیده نیست، ولی در هیچ جا دیده نشده است که امام حسین (ع) در مدت اقامت چهار ماهه خود در مکه بر ضد حکومت وقت توطئه و تمهیدی کرده باشد.

آری طبعاً مراقب اوضاع سیاسی بود که مبادا از طرف دستگاه حاکمه که تعرض و تهاجمی با او بشود زیرا وضع غیر عادی بود و دولت یزید حسین بن علی (ع) را آزاد نمی گذاشت و معلوم است که آنحضرت از نظر مالی هم در فشار و مضیقه بود زیرا اوسر پرست خاندان بزرگ پیغمبر (ص) بود و طبعاً خرج این خاندان که همراه وی به مکه آمده اند بعهده اوست و در مدت توقف در مکه بر اثر آمد و رفت و مراجعات مردم مخارج وی سنگین تر شده بود و بودجه ای که قبلاً بیت المال با امام حسین (ع) میرسید از طرف یزید قطع گشته بود (۱) و از اینجهت است که مطابق نقلی که از این شهر آشوب کرده اند پس از شهادت سیدالشهدا (ع) معلوم شد بیش از هفتاد هزار دینار قرض داشته است که بعداً امام سجاد یک دهکده را فروخت و قرض پدرش

۱- در بهار الانوار آمده است که در زمان معاویه بغیر از هدایائی که با امام حسین (ع) میرسید در هر حال یک میلیون درهم از بودجه بیت المال با آنحضرت داده میشد.

را ادا کرد.

در هر حال با تمام مشکلاتی که در بین بود امام حسین (ع) در مدت چهار ماه اقامت در مکه وضع دفاعی خود را کاملاً حفظ کرد و طبیعاً مراقب اوضاع و احوال سیاسی بود و از جریاناتی که بین دستگاه حاکمه میگذشت مطلع میشد و از روابطی که فرماندار مکه با مرکز داشت آگاه میگشت و قهرراً از طرف عمال حکومت احساس خطر میکرد و از اینرو در این مدت خود و یارانش بحال آماده باش بودند که اگر از طرف دولت وقت تهاجمی شد بتوانند خود را حفظ کنند.

در مدت توقف آنحضرت در مکه در محافل سیاسی قضیه تهاجم حکومت یزید با امام حسین (ع) و استنکاف آنحضرت از بیعت و پناهنده شدن وی به مکه سخن روز شده بود و این مطلب در طول این مدت با اطراف مملکت اسلامی منتشر شد، مخصوصاً عراق و بالاخص کوفه که مرکز شیعیان علی (ع) و مقرر حکومت وی بود بیشتر متوجه این جریانات شده بود، در کوفه هیجان شدیدی بین شیعیان امام حسین (ع) بوجود آمده بود و همین هیجان باعث شد که آنحضرت را بکوفه خواندند و خط سیر دفاعی وی بمراقب کوفه متوجه شد و آخرین صحنه دفاع میدان کربلا بود که نور حقیقت وی بیشتر از آنجا جلوه کرد و چشم جهان اسلام بلکه جهان انسانیت را خیره نمود.

درود گرم شیعیان بر روان پاکت بسادای سبط پیغمبر (ص) .  
سلام عاشقانۀ مظلومان و تشنگان آزادی و عدالت نثار آستان قدس باد  
ای کشتی‌راه آزادی و عدالت .